

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۳۳، بهار ۱۳۹۷، ویژه تاریخ اسلام

تأثیر ممالیک بحری بر اقتصاد جهان اسلام و نظام بین الملل

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۱/۱۵

تاریخ تأیید: ۹۷/۰۲/۱۴

مهدی نجف‌آبادی پور*

چکیده

ممالیک بحری، سربازان مزدور و مملوک ایوبی بودند و با ارتقاء درجه و بروز خلاقیت به خلوت سلاطین ایوبی وارد شدند و سرانجام به نام ممالیک بحری در سال ۶۴۸ هجری قمری با پایان دادن به حیات سیاسی حکومت ایوبیان در مصر و با سرکوب مخالفان داخلی، حکومتی مقتدر ایجاد کردند و با شکست مغول در سال ۶۵۸ ه. ق شام را نیز به قلمرو خود افزودند. بیبرس بندقدری در سال ۶۵۹ با احیاء خلافت عباسی در مصر، پایه مشروعیت این حکومت را تقویت کرد. آنان با بیرون راندن صلیبیان در دوره خلیل اشرف بر تمام سواحل شام حاکم شدند. در دوران حکومت ممالیک بحری با ایجاد امنیت در سواحل مصر و شام برای تجار، تلاش بسیار انجام گرفت و مسیر تجاری دریای هند، دریای سرخ و مصر و شام که معروف به مسیر ادویه بود به‌طور ویژه مورد توجه قرار گرفت و با وضع قوانین به تجارت خارجی مصر و شام و تجارت بین‌المللی مسلمانان رونق بخشید و با ارائه تسهیلات خاص به مسلمانان، آنان را به تجارت در این مسیر و حضور در مصر جلب کرد. از طریق تعاملات تجاری با تجار صلیبی و دولت‌شهرهای بندری در دریای مدیترانه، آنان را به بندرگاه‌های مصر جلب کرد و این اقدامات منجر به رونق تولید و تجارت و ارتقاء جایگاه اقتصادی نظام بین‌الملل به‌ویژه اسلام شد و نبض تجارت و اقتصاد منطقه، جهان اسلام و نظام بین‌الملل با نبض ممالیک بحری می‌زد و حاکمان مصر در اقتصاد جهانی اعمال نفوذ می‌کردند و آوازه برتری ممالیک بحری مصر، در دورترین کشورهای شرقی و اروپای غربی در دربار ادوارد شاه انگلیسی نیز نقل محافل شده بود.

واژه‌های کلیدی: مصر، شام، ممالیک، ممالیک بحری، مدیترانه، بنادر تجاری.

* دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه باقرالعلوم (ع).

مقدمه

ممالیک جمع مملوک به معنای عبد و برده است.^۱ ممالیک بحری، برده های زرخرید حاکمان ایوبی بودند که به عنوان سربازان حکومت فعالیت داشتند. دولت ایوبیان با دخالت همین سربازان مزدور منقرض شد و پس از ایوبیان خودشان حکومت را بانام ممالیک بحری در سال ۶۴۸ ه.ق در مصر و شام به دست گرفتند و تا ۷۸۴ ه.ق به حیات سیاسی خود ادامه دادند.^۲ ممالیک در انتصاب حکام و حکومت امیرنشین شبه جزیره عربستان نیز دخالت می کردند و آن امیرنشین ها با خطبه خواندن به نام حاکم ممالیک و خلیفه کسب مشروعیت می کردند. روش حکومت ممالیک مبتنی بر نظامی گری بود و در اساس، سلطان ممالیک، امیری صاحب امتیاز از میان امیران سپاه بود.^۳ سلاطین مملوکی با اقتدار نظامی سعی در ایجاد نظم و آرامش در منطقه داشتند و بیشترین برخورد آنان با همسایگان به اقتضای موقعیت ایجادشده، جنگ و پیمان های آتش بس بود. در این منطقه که همه برای منافع خود به خصوص منافع اقتصادی در منازعه بودند و سیاست ها و اقدامات طرفین می توانست بسیار در اقتصاد منطقه تأثیرگذار باشد.

۱. اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، مصحح محمدحسن آل یاسین، ۱۱ جلد، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۱۴ ه. ق، ج ۶، ص ۲۷۵.

۲. محمد بن احمد ذهبی، تاریخ اسلام و وفيات المشاهیر و الاعلام، مصحح عمر عبدالسلام تدمری، ۵۲ جلد، چاپ دوم، بیروت: دارالکتب العربی، سال ۱۴۱۳ ه.ق، ج ۴۷، ص ۵۸.

۳. احمد بن علی قلقشندی، صبح الأعشی فی صناعة الإنشاء، مصحح محمدحسین شمس الدین، ۱۵ جلد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج ۴، صص ۱۴ و ۱۵.

مرکز حکومت ممالیک، قاهره مصر بود.^۱ در مصر ظرفیت‌های مختلف سیاسی، سوق‌الجیشی و جغرافیایی و طبیعی وجود داشت. یکی از ظرفیت‌های خدادادی مصر، وجود آب‌و‌خاک حاصلخیز است به طوری که مصر بخش اعظم طولانی‌ترین رودخانه جهان را در خود جای داده است، رودخانه‌ای که هم در آن زمان و هم در زمان حاضر قابلیت کشتی‌رانی دارد و به آب‌های آزاد راه دارد و از دیرباز مردم و دولت‌ها در مصر با ایجاد کانال‌ها و خلیج‌ها از آب نیل برای کشاورزی بیشترین استفاده را می‌بردند که این خود از امتیازهای مصر است که بدین وسیله مرکز مصر با آب‌های آزاد، راه‌آبی دارد و این خود موجب رونق تجارت و کشاورزی می‌شود. کشاورزان مصری می‌توانستند از این راه محصولات خود را عرضه کنند و در عوض کالای موردنیاز خود را تهیه کنند. مصر خزانه همه دنیا معرفی شده است. به دلیل وجود نیل اهل خبره نقل کردند که در آن زمان بیشترین باغ‌ها در مصر بود که همه با نیل و به وسیله حفر خلیج‌ها و کانال‌ها آبیاری می‌شد^۲ و خراج آنجا مثال‌زدنی است، آن قدر زیاد بود که آن را برای حکمرانی بر کل دنیا کافی می‌دانستند.^۳ در دوران ممالیک بحری با ایجاد و احیاء کانال‌ها و نهرهای بزرگ و کوچک منشعب از نیل یکی از شکوفاترین دوران رونق کشاورزی مصر بود^۴ و زمین‌های مصر در حد قابل توجهی مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

مصر در دوران مالیک به یک گلوگاه تجاری تبدیل شده بود. یک طرف این گلوگاه شرق اسلامی و طرف دیگر آن غرب مسیحی بود. در شرق مسلمان، بهترین تولیدات باکیفیت بالا و در غرب مسیحی، مصرف‌کنندگان تشنه که منتظر واردات از شرق اسلامی بودند. در شرق اسلامی بعضی از کالاها کمتر یافت می‌شد و بایستی از غرب وارد می‌شد

^۱ شهاب‌الدین احمد بن یحیی العمری، مسالک الابصار فی ممالک الامصار، ۱۴ جلد، ابوظبی: الثقافی، ۱۴۲۳ هـ. ق، ج ۳، ص ۴۲۴.

^۲ علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، چهار جلد، ج ۲، قم: دار الهمزة، ۱۴۰۹ هـ. ق، ج ۱، ص ۳۸۲.

^۳ احمد بن علی مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، چهار جلد، بیروت: دار الکتب، ۱۴۱۸ هـ. ق، ج ۱، ص ۵۱.

^۴ احمد بن علی مقریزی، الخطط، ج ۱، ص ۵۱.

مانند پوست حیوانات، چوب برای صنعت ساختمان و کشتی‌سازی یا اسلحه‌سازی (منجنیق سازی). ممالیک بحری گلوگاه دادوستد شرق و غرب را در سلطه خود داشتند. رونق تجارت و اقتصاد در شرق اسلامی و غرب مسیحی وابسته به اخذ تصمیم صحیح و اجرای سیاست‌های درست بود و هر خطا و اشتباه در اقدامات و تصمیمات موجب برهم خوردن نظم اقتصاد در جهان اسلام و نظام بین‌الملل می‌شد. از دوران قبل از اسلام تجارت از شرق به غرب در جریان بوده است و کالاهای زیادی از جمله ابریشم چین، مشک، عود، زین اسب، سمور، گل‌چینی، دارچین، طلا، آبنوس، سندس، کافور، ادویه، لباس‌های پنبه‌ای مخمل، سنگ‌های زینتی، فلزاتی از قبیل برنج، سرب، قلع و خیزران از شرق به غرب برده می‌شد.^۱ تجارت از طرف غرب به شرق در قرون اول هجری قمری رونق داشت و در دوران خلافت عباسی زمانی که بغداد به‌عنوان پایتخت جهان اسلام بود؛ یکی از مهم‌ترین مقصدها و باراندازهای تجاری به حساب می‌آمد و کشتی‌ها از دریای چین بارگیری می‌شدند و در مسیر از خلیج فارس گذر می‌کردند و از طریق رودخانه به سمت بغداد ادامه مسیر می‌دادند. در مسیر خشکی نیز از اقصی نقاط دنیا، بازرگانان به بغداد رفت‌وآمد داشتند و این تجارت از غرب به بغداد از طریق شام و دریای مدیترانه جریان داشت.^۲ بعد از سقوط بغداد توسط مغولان، تمام این جایگاه به‌عنوان میراث مرکز خلافت اسلامی به مصر رسید و در کمتر از سه سال خلافت در آنجا احیا شد و حکومت ممالیک بحری در این قلمرو به‌عنوان تنها حکومت مقتدر آن روز جهان اسلام مطرح بود.

تأثیر ممالیک بحری بر اقتصاد جهان اسلام

هم‌زمان با ظهور ممالیک بحری در مصر و شام، مسیر دریایی خلیج فارس، باوجود دزدان دریایی و ناامنی و هرج‌ومرج و هجوم وحشیانه خرابکارانه مغول از رونق می‌افتد و

۱. عبیدالله بن عبدالله ابن خرداد به، المسالک و الممالک، تک‌جلدی، بیروت: دار صادر، سال ۱۸۸۹ م، ص ۷۱.

۲. احمد بن ابی یعقوب یعقوبی، البلدان، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ ه. ق. صص ۱۱-۱۴.

در مسیر تجاری ابریشم نیز ناامنی و تاراج و راهزنی فراگیر می‌شود. بغداد در سال ۶۵۶ با سقوط توسط مغولان به ویرانه تبدیل شد^۱ و بازارهای آن شهر از رونق افتاد و دیگر مقصد تاجران نبود. بعد از استقرار ایلخان مغول در فرارود تا عراق (فرات) بخش اعظم راه ابریشم در دست مغولان بود که با درگیری بین خود مغولان و نبود قوانین مدون در اخذ مالیات و اینکه عمده تاجران - ایرانیان و اعراب مسلمان - با دیده تردید به مغول می‌نگریستند و آنان به عنوان لشکر ویرانگر و بت‌پرست در جامعه مسلمانان شناخته شده بودند. همه موارد فوق، موجب کساد و از رونق افتادن مسیر ابریشم شده بود.

این بدان معنا نبود که تجارت و اقتصاد مسلمانان به کلی فلج شد. صاحبان صنایع، هنر و بازرگانان بزرگ در مشرق اسلامی بعد از اینکه صنعت، هنر، حرفه و تجارت خود را در خطر دیدند به فکر مأمّن و پناه گاهی بودند و بعد از سقوط شرق اسلامی و به‌ویژه بغداد تنها مکانی که در ممالک اسلامی از گزند هجوم، ویرانی، غارت و کشتار مغول سالم بود و هنوز حاکمان مسلمان بر آن منطقه حکومت می‌کردند مصر بود. بیبرس - چهارمین حاکم از ممالیک مصر - کمتر از سه سال پس از سقوط بغداد با احیای خلافت در مصر، قاهره را به‌عنوان مرکز خلافت اسلامی به جهان مسلمان آن روزگار معرفی کرد^۲ و از همین روی داعیه حمایت از مسلمانان را نیز به دوش می‌کشید.

مصر علاوه بر اینکه میزبان علما و دانشمندان مسلمان بود، اربابان حرفه‌ها، صنایع، هنر و تجارت را نیز میزبانی کرد و سبک‌های معماری، هنر، صنایع و انواع حرفه‌های ایرانی در مصر ظهور کرد و در سبک مصری آن تأثیرگذار بوده است و این تأثیرگذاری در سبک ایرانی نیز قابل مشاهده است و گاهی ابنیه و مصنوعات ایرانی را می‌توان در مصر

^۱. حمدالله مستوفی، تاریخ گزیده، مصحح عبدالحسین نوایی، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر، سال ۱۳۶۴ هـ، ص ۳۶۹.

^۲. جلال‌الدین عبدالرحمن سیوطی، حسن المحاضرة فی اخبار مصر و القاهرة، دو جلد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ هـ، ج

زمان ممالیک بحری مشاهده کرد.^۱ در عوض در دوران غازان خان بسیار سعی شد که به رقابت با مصر پردازد و تجار ایرانی را به ایران برگرداند و حتی برای جذب تجار مصری نیز اقدام کرد اما موفق نبود ولی در جذب تجار ژنوبی و ونیزی تا حدی موفق بود.^۲ آنچه به اقتصاد جهان اسلام کمک کرد امنیت و ثبات در مصر و شام بود که با اقتدار و حاکمیت ممالیک بحری ایجاد شده بود و به حیات اقتصادی طبقات گوناگون و اصناف مختلف مسلمان کمک کرد.

رونق راه ادویه

راه ادویه مسیری آبی بود که از دریاهاى جنوب آسیا در سواحل جنوبی چین شروع می‌شود و بعد از گذر از دریای هند، دریای سند و سواحل مکران یک شاخه اصلی آن بعد از گذر از کرانه‌های عمان و گذر از تنگه باب المندب وارد دریای سرخ می‌شد و در انتهای دریای سرخ یک شاخه آن به سمت شام و شاخه دیگر آن به طرف مصر و سواحل جنوب دریای مدیترانه از راه خشکی ادامه داشت و به دلیل اینکه مهم‌ترین کالایی که در این راه تجارت می‌شد، ادویه بود و به راه ادویه معروف شد.

در این دوران، ممالیک مصر موقعیت سوق الجیشی راه ادویه را به‌خوبی درک می‌کردند و از فضای به وجود آمده نهایت استفاده را بردند و با تأمین امنیت این مسیر و ارائه تسهیلات برای تجار راه ادویه و همچنین با پیمان صلح و تأییدات و حتی برخورد نظامی برای رونق و توسعه تجارت در این مسیر تلاش گسترده‌ای انجام دادند و در نهایت سودهای کلان اقتصادی و همچنین نفوذ اقتصادی و سیاسی خود را در جهان اسلام و نظام بین‌الملل گسترش دادند و بیشترین بهره را بردند.

^۱ عباس اقبال آشتیانی، تاریخ مغول، تک‌جلدی، چاپ هشتم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۴، ص ۵۶۴.

^۲ برتولد اشپولر، تاریخ مغول در ایران، مترجم محمود میر آفتاب، تک‌جلدی، چاپ نهم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی،

سلطان منصور قلاون (۶۷۸-۶۸۹ ه.ق) سعی کرد خودش را به امراء مکه و یمن نزدیک کند و با آنان مراسلاتی در همین راستا داشت و به این بسنده نکرد بلکه دخالت‌هایی نیز در این مناطق داشت.^۱ برای همکاری تجاری و اقتصادی با هند در شرق نیز فعالیت زیادی داشت و با رسیدن سفیر از سیلان هند با توجه به درک موقعیت تجاری و اقتصادی با آنان نیز از در تلاش برای قرابت سیاسی و تجاری وارد شد.^۲ این فعالیت‌ها موجب شد که مصر در تمام سرزمین‌های شرق و شرق اسلامی از نفوذ و جایگاه تأثیرگذاری برخوردار باشد. این درست همان چیزی بود که حاکمان ممالیک در راه ادویه آن را پی‌گیری می‌کردند و می‌خواستند به آن برسند و این موجب ارتقاء چشمگیر وضعیت اقتصادی مصر شد.

یمن و تنگه باب‌المنندب یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های استراتژیک این راه تجاری بود. ممالیک برای رونق‌بخشی به راه ادویه به این منطقه توجه کردند و از همان ابتدا تلاش حاکمان ممالیک بر همین بود و به‌گونه‌ای با امرای یمن ارتباط داشتند که آنان در تأمین امنیت راه تجاری به‌خصوص راه دریایی در یمن تلاش کردند و عدالت و انصاف را به کار گرفتند و در اخذ مالیات زیاده‌روی نمی‌کردند. امیر یمن - شمس‌الدین یوسف ابن عمر^۳ که در سال ۶۴۸ ه. ق هم‌زمان با ممالیک بحری در مصر، حکومتش در یمن شروع شده بود و خراج‌گزار مصر بود و امیری عادل بود، امنیت راه‌های تجاری را برقرار و تجارت را رونق‌بخشید و تا سال ۶۹۴ حکومت کرد.^۳ حاکمان یمن - هم در زمان شمس‌الدین و هم در زمان حاکمان بعدی - نمی‌توانستند بدون مشورت و دخالت مصر، مالیات زیاد از تاجران اخذ کنند و مالیات کشتی‌ها و کالاهای را نیز نمی‌توانستند افزایش

۱. احمد بن علی مقریزی، السلوک لمعرفة دولة الملوك، مصحح عبدالقادر عطا، هشت‌جلدی، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸

ه. ق. ج ۲ صص ۱۵۱ و ۱۵۳ و ۱۵۴ و ۱۵۷ و ۱۶۳.

۲. همان ج ۲ ص ۱۶۵.

۳. عبدالرحمن ابن محمد ابن خلدون، دیوان المبتدأ والخبر فی تاریخ العرب و البربر ومن عاصرهم من ذوی الشأن الاکبر،

تحقیق خلیل شحاده، هشت جلد، دوم، بیروت: دار الفکر، سال ۱۴۰۸ ه. ق. ج ۵، ص ۵۷۷.

بدهند. این مدیریت و اعمال نفوذ از جانب مصر در این مناطق از اقتدار و توجه ویژه حاکمان مصر به امر اقتصاد و تجارت حکایت دارد.

بعد از شمس‌الدین یوسف، مدتی پسرش ملک اشرف حکومت کرد و بعد از قتل او، ملک مؤید حکومت را به دست گرفت که باج‌گزار ممالیک بحری مصر بود و امنیت راه‌های تجاری را بر عهده داشت و تا سال ۷۲۱ در یمن حکمرانی کرد.^۱ برای تأمین امنیت این مسیر، حاکمان مصر از دخالت نظامی نیز به‌عنوان گزینه‌ای کارآمد استفاده می‌بردند. زمانی که در یمن ملک مجاهد به جانشینی پدرش ملک مؤید رسید و در سال ۷۲۴ هـ.ق اختلافات داخلی بالا گرفت و می‌رفت تا امنیت تجار در یمن تحت تأثیر قرار بگیرد با دخالت سپاه مصر در سال ۷۲۶ او توانست با صلح و آرامش به حکمرانی بپردازد و تا سال ۷۶۶ به سلامت بر یمن حاکم بود. در ادامه همان سیاست از جانب مصر اجرا شد و بعد از او ملک افضل تا سال ۷۸۲ بر یمن حاکم بود و او نیز مانند پدر باج‌گزار حاکم ممالیک بحری مصر بود.^۲ برای نظارت بر اخذ خراج و باج و همچنین عوارض گمرکی از تاجران، کشتی‌ها و کالاها در این مسیر از طرف حکومت مرکزی مصر، مأمورانی حضور داشتند.

این اقدامات مهم به‌طور مستقیم به حیات تجاری و اقتصادی مسلمانان کمک زیادی می‌کرد و دولت‌های امیرنشین اسلامی در این مسیر با اخذ مالیات به حیات باشکوه سیاسی خود ادامه می‌دادند و از لحاظ اقتصادی مستقل بودند. در پی این مدیریت قوی و اعمال نفوذ مصر و به دلیل رونق این مسیر، ثروتمندترین افراد کسانی بودند که در این مسیر به دادوستد مشغول بودند و سودآوری دادوستد در این مسیر به حدی بود که هر کس - اگرچه غیر تاجر^۳ را وسوسه می‌کرد تا در سفر خود در این مسیر، کالاها را برای دادوستد با خود حمل کند.

۱. همان، ج ۵، ص ۵۷۷.

۲. همان ج ۵، صص ۷۷۸-۷۸۱.

هر جا که موقعیت بارانداز خوبی وجود داشت -دیگر کوچک و یا بزرگ بودن شهر مهم نبود- بندری پررونق بود. یکی از این شهرها عدن بود باینکه شهری کوچک بود اما چون از نظر موقعیت طبیعی ساحل آن طوری بود که کشتی‌های بزرگ به آسانی در ساحل آن می‌توانستند پهلو بگیرند، سبب شد بازرگانان در آنجا زیاد باشند و کشتی‌ها از طرف چین، هند، فارس، عراق، مصر، شام، حبشه و زنگبار^۱ در آن ساحل توقف کنند و در اصطلاح لنگر بیندازند و بار بگشایند.^۲ همین موقعیت موجب شده بود مردم شهر عدن ثروتمند باشند و در ثروت باهم رقابت کنند.^۳

از دیگر شهرهای بندری در ساحل دریای سرخ که تجارت باعث ارتقاء وضع اقتصادی آنان شد، می‌توان به شهرهایی مانند قوص، جار، عیذاب و قلزم اشاره داشت. همچنین شهرهای دیگر که تجارت شغل اصلی مردم بود و یا رونق تجارت در این مسیر زندگی آنان را تحت تأثیر قرار داده بود اصنافی مانند باربران، ماهی‌فروشان و هر صنفی که خدمات یا کالای موردنیاز تجار را ارائه می‌کردند و یکی از اصناف ارائه‌دهنده خدمات، هتلداران بودند که حیات اقتصادی آنان به شدت تحت تأثیر حیات و رونق تجارت در این مسیر بود. در شهرهای بندری در این مسیر ساختمان‌هایی برای تجار و مسافران ساخته شده بود که در عوض دریافت اجاره‌بها در اختیار آنان قرار می‌گرفت از جمله شهر بندری عدن که تاجرانی از هند و مصر در آنجا ساکن بودند.^۴

اقدامات حاکمان ممالیک بحری در مصر و شام و مسیر تجاری ادویه، منجر به رونق مسیر تجاری ادویه شد و آنان توانستند با اخذ مالیات بیشتر به دلیل تجارت بیشتر، درآمدهای خزانه را افزایش دهند و اقتصاد و تجارت ممالک مسلمان را از رکود و

^۱. سودان

^۲. عبدالله خوافی حافظ ابرو، جغرافیای حافظ ابرو، سه جلد، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۷۵ ه، ج ۱، ص ۲۲۵.

^۳. محمد ابن عبدالله ابن بطوطه، رحلة ابن بطوطه (تحفه النظار فی قرائب الامصار و عجایب الاسفر)، پنج جلد، الرباط: اکادیمیه المملکه، ۱۴۱۷ ه. ق، ج ۲، ص ۱۱۳.

^۴. همان، ج ۲، ص ۱۱۳.

ورشکستگی نجات دهند و با این سیاست‌ها و اقدامات، تأثیر بسزایی بر تحولات اقتصاد جهان اسلام گذاشتند و نقش مثبتی را در تحولات اقتصادی جهان اسلام بازی کردند. یکی از مهم‌ترین و استراتژیکی‌ترین اقدام ممالیک بحری، بازپس‌گیری تمام سواحل شام - از شمال تا جنوب - از دست صلیبی‌ها بود که از آن به بعد مسلمانان با آزادی کامل توانستند در سراسر شام به تجارت بپردازند.

تجارت، تولید و جذب سرمایه‌های خارجی در مصر و شام

در مصر؛ خانات،^۱ فندق‌ها^۲ و قیساریه‌های^۳ زیادی برای تجار ساخته شد که در امر تسهیل و تشویق تجارت بسیار مهم بود. در شهر بندری اسکندریه، قاهره، دمياط، عیذاب و شهرهای مختلف، استراحتگاه‌هایی بانام خانات، قیساریه و فندق ساخته شده بود که البته کاربری هر کدام متفاوت بود. خانات کاروانسراهایی بودند که اتاق‌هایی برای حفظ اموال تجار در آن وجود داشت و اتاق‌هایی که بازرگانان شب را در آن به استراحت می‌پرداختند و اسطبل برای چهارپایان آنان ساخته شده بود و بیرون کاروانسرا یک مغازه و یک جوی باریک آب وجود داشت و تجار لوازم موردنیاز خود را از آن دکان خرید می‌کردند.^۴ بعضی از امرای مناطق مصر، از این موقعیت بهره می‌بردند و گاهی قصرهای خود را با اجاره‌بهای بالا به تجار اجاره می‌دادند.^۵

تجار و بازرگانان مصر به مناطق شرق و غرب سفر می‌کردند و به تجارت می‌پرداختند و همچنین از دیگر مناطق مانند هند، شام، یمن، حجاز و ایران بازرگانان برای

۱. کاروانسرا

۲. مسافرخانه

۳. کاروانسرای داخل شهر، بازارچه

۴. همان، ج ۱، ص ۲۳۲.

۵. احمد بن علی مقریزی، الخطط، ج ۲، ص ۱۷۷.

امر تجارت و بازرگانی به مصر وارد می‌شدند. حاکمان مصر در راستای تأمین امنیت و نظم بخشیدن به کار تجارت، برای کسانی که به مصر وارد می‌شدند گذرنامه‌هایی وضع کرده بودند و اشخاص می‌بایست برای ورود به مصر، مجوز ورود و برای خروج از مصر، مجوز خروج اخذ می‌کردند.^۱ برای حمایت از تجار مسلمان و شرقی در مصر؛ خانات، قیساریه و نمایندگی‌هایی به‌طور ویژه اختصاص یافته بود که بازرگانان ایران، عراق و شام در آنجا به دادوستد می‌پرداختند و در همان‌جا نیز اطاق‌هایی برای اسکان داشتند و انبار کالاهای آنان نیز در همین مراکز بود.^۲

در زمانی که شام صحنه جنگ با مغولان بود و تجار از کمترین امنیت لازم برخوردار بودند نمی‌توانستند در کشور خود به امرارمعاش پردازند و اقتصاد آنان تحت تأثیر این ناامنی قرار گرفته بود، تجار مورد حمایت مصر قرار گرفتند و در دوران حکومت ممالیک بحری برای آنان در خانات مصر، محلی برای سکونت و ارائه کالاهای تجاری، در نظر گرفته شد، از این‌رو در بعضی از خانات قاهره، اعیان و بزرگانی از تجار شام مستقر شدند.^۳ این نکته جالب توجه است که برای حمایت از تجارت داخلی و تجار مسلمان و شرقی به تجار فرنگ اجازه ورود به قاهره و بازار محلی داده نمی‌شد.^۴

ایلخانان با تصرف بندر تجاری کلیکیه - با طول جغرافیایی ۶۳.۵ درجه و عرض جغرافیایی ۳۸ درجه - در سواحل دریای سیاه در منطقه ارمنستان که از موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیک خاصی برخوردار بود، توانستند اقتصاد و تجارت ایلخانان مغول تازه‌مسلمان در ایران را به شدت تحت تأثیر قرار دهند زیرا این تنها بندری بود که ایلخانان

۱. محمد بن عبدالله ابن بطوطه، ج ۱، ص ۲۳۲.

۲. احمد بن علی مقریزی، الخطط، ج ۲، ص ۳۶۶.

۳. همان، ج ۳، ص ۱۶۸.

۴. یاقوت بن عبدالله حموی، معجم البلدان، هفت جلد، چاپ دوم، بیروت: دار صادر، ۱۹۹۵ ه.ق، ج ۲، ص ۴۷۳. محمد ابن

عبدالله، ابن بطوطه، ج ۱، ص ۲۳۲.

مغول به واسطه آن با دنیای غرب از طریق دریا ارتباط داشتند. در ادواری از دوران حکومت ایلخانان مغول با ایجاد آرامش نسبی در ایران، جاده ابریشم در پی بازپس‌گیری سهم خود از آمدوشد تجارت بود و باز در هر صورت بخش مهم غربی جاده ابریشم در دست ممالیک بود.

در رقابت ممالیک مصر و شام با ایلخانان مغول، هر دو در تلاش بودند تا بتوانند نبض اقتصاد و تجارت غرب به شرق را بر عهده بگیرند و در همین راستا دولت ممالیک به تاجران به‌خصوص تاجران ونیزی و تاجران ژنوایی تسهیلات و مشوق‌هایی را عرضه می‌کردند و ایلخانان - در تبریز پایتخت آنان - اقداماتی انجام دادند و توانستند رونقی در بازار ایجاد کنند. بدون حضور و فعالیت بازرگانان مصری که از بزرگ‌ترین تاجران و سرمایه‌دارترین تاجران آن زمان به حساب می‌آمدند و در نقطه آغاز و پایانی جاده ابریشم - سواحل مدیترانه - مستقر بودند نمی‌شد انتظار ایجاد رونق اقتصاد در تبریز و حتی در شهرهای دیگر داشت.^۱ با عدم حضور و فعالیت بازرگانان مصری در باراندازهای ورود و خروج کالاها در سواحل مدیترانه به مقصد ایران، بازرگانان دیگر، تحت تأثیر این تصمیم آنان قرار می‌گرفتند و به این شکل می‌توان تأثیر مصر در اقتصاد جهان اسلام را به‌خوبی مشاهده کرد.

ارتباط دوستانه بین مصر و مغولان شمالی در دشت قباچاق، بر روابط مغولان ایلخانی نیز تأثیر گذاشت و هرچه مصر به قباچاق نزدیک می‌شد، روابط ایلخانان ایران با قباچاق کمتر می‌شد تا حدی که تمام روابط تجاری بین ایران و دشت قباچاق قطع شد.^۲ اگرچه این تأثیر منفی باوجود مناطق فرارود، ایران را به‌طور کلان دچار مشکل نمی‌کرد اما گاهی

^۱. بارتولد اشیولر، ص ۴۳۲.

^۲. همان، ص ۲۳۱.

روابط فرارود با ایران نیز با فشار مغولان شمالی تهدید می‌شد که این فشار نیز به درخواست مصر بود و این موجب تضعیف موقعیت تجاری و اقتصادی ایلخانان می‌شد.^۱

نظام مالیاتی مدون در مصر - اگرچه سیاست داخلی مصر بود - در اقتصاد جهان اسلام و نظام بین‌الملل تأثیر بسزایی گذاشت. این تأثیر به دلیل آن بود که زیرساخت‌های داخلی اقتصاد در فعالیت‌های خارجی اقتصاد تأثیر دارد. مصر یک نظام مالیاتی مدون و یک سیاست به نسبت یکسان بر اخذ مالیات اعمال می‌کرد و اخذ مالیات کمتر دچار اختلاف می‌شد و همین امر موجب توجه بازرگانان، تاجران و تولیدکنندگان به مصر می‌شد. سرمایه‌گذاری در آن سرزمین از امنیت بالاتری برخوردار بود و عدم تهدید، خطر ورشکستگی و رکود نیز کمتر بود و مصر بهشت فعالان اقتصادی بشمار می‌آمد.

مجموعه‌ای از عوامل به صورت زنجیروار در صحنه اقتصاد جهان اسلام، مصر را به‌عنوان بازیگری با نقش مثبت و بسیار تأثیرگذار نشان می‌داد. رفتار نظامی مصر در مناطق اسلامی موردنظر و شکست مغول، شکست صلیبیان، احیای خلافت در مصر، قانون‌گذاری و اجرای قوی نظام قانونی در تمام عرصه‌ها - به‌خصوص در عرصه اقتصاد، تجارت و اخذ مالیات - برخورد با تخلفات به‌خصوص در مسائل اقتصادی،^۲ حمایت دولت از تولیدکنندگان و تاجران مسلمان تمام مناطق اسلامی و شرقی،^۳ ارتقاء سطح کمی و کیفی تولیدات کشاورزی و دیگر تولیدات داخلی، حمایت از تولیدات و تجارت داخلی با وضع قوانین و اجرای محدودیت برای تجار و فعالان اقتصادی خارجی به‌ویژه غربی‌ها^۴ و توجه ویژه به زیرساخت‌های تجاری و اقتصادی و دیگر اقدامات منجر به رونق اقتصادی مصر و شامات شد.

^۱ عبدالله بن محمد قاشانی، تاریخ اولجایتو، تک‌جلدی، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی، سال ۱۳۸۴ ه، ص ۲۱۳.

^۲ اسماعیل بن عمر بن کثیر، بدایه و النهایه، ۱۵ جلد، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷ ه، ج ۱۳، ص ۲۴۵.

^۳ احمد بن علی قلقشندی، ج ۴، صص ۴۱-۴۵.

^۴ زکریا بن محمود القزوی، آثار البلاد و اخبار البلاد، مترجم جهانگیر میرزا قاجار، مصحح میر هاشم محدث، یک‌جلدی،

تهران: انتشارات امیرکبیر، سال ۱۳۷۳ ه، ص ۲۴۹.

تأثیر اقتصاد ممالیک بحری بر نظام بین الملل

در هزاره‌های قبل از اسلام، شرق و غرب باهم مراودات زیادی داشتند. در قرون وسطی شرق به خصوص شرق اسلامی در اوج تمدن خود بود. تولیدات کشاورزی در مصر و شام، ادویه در هند، عود و عطریات در یمن و هند، تولیدات صنعتی در سراسر ایران و چین و دیگر بلاد اسلامی و فرآورده‌های کشاورزی مانند شکر، روغن زیتون، کاغذ؛ همه در شرق اسلامی و چین تولید می‌شد و غرب در همه این تولیدات و مصنوعات به شرق متمدن اسلامی وابسته بود و در این بین سوداگران ژنوبی، سیسیلی و ونیزی که تاجران ثروتمند و پردرآمد بودند با حضور در بنادر شام مانند عکا، بیروت، لاذقیه، طرابلس، صور و صیدا در دوران حضور صلیبیان به تجارت می‌پرداختند و بارها متعرض حضور بازرگانان مسلمان می‌شدند. در سواحل جنوبی مدیترانه با تصرف دمیاط در این سواحل نیز حضور فعال داشتند. ایوبیان به خصوص صلاح‌الدین ایوبی برای بیرون راندن صلیبیان از شام تلاش گسترده‌ای کردند و ممالیک بحری توانستند این کار را به سرانجام برسانند و در زمان خلیل اشرف پسر منصور قلاون (۶۸۹-۶۹۳ ه.ق) آخرین پایگاه قشون صلیبی در سواحل شرقی مدیترانه به قلمروی اسلام بازگشت و حاکم مطلق سواحل شرقی مدیترانه، ممالیک بحری بودند.^۱

بنادر شام و مصر در انحصار ممالیک بحری

صلیبی‌ها بنادر شام را سال‌های زیادی بود که تصرف کرده بودند و با در اختیار گرفتن نبض تجاری در بنادر، اقتصاد منطقه، اقتصاد جهان اسلام و نظام اقتصادی بین‌الملل را به شدت تحت تأثیر قرار داده بودند به گونه‌ای که محصولات کشاورزی، منابع معدنی، محصولات صنعتی، منابع چوب و تمام کالاهای شرقی و غربی در بازارهای این

^۱. احمد بن علی مقریزی، السلوک، ج ۲، ص ۲۲۶.

شهرها خریدوفروش می‌شد و با اخذ مالیات از همه تجار و کالاها، سودهای کلان نصیب آنان می‌شد. کالاها و تولیدات مسلمانان و غیرمسلمانان مشرق زمین از این بنادر به اروپا و آفریقا به‌خصوص مصر بارگیری می‌شد.^۱ طرابلس به دلیل وجود مزارع نیشکر که از کالاهای استراتژیک به حساب می‌آمد همیشه موردتوجه غربی‌ها بود و در دورانی که این شهر بندری در دست صلیبی‌ها بود از مزارع آن بیشترین بهره ممکن را می‌بردند و تمام نیشکر این منطقه را به اروپای قرون وسطی صادر می‌کردند.^۲ مسلمانان می‌خواستند هر طور شده بنادر تجاری در کرانه شرقی مدیترانه را از صلیبیان باز پس گیرند و این کاری بود که ایوبیان شروع کردند اما با تضعیف حکومت آنان این کار به سرانجام نرسید و آن مناطق در تصرف صلیبیان باقی ماند.

بیرون راندن صلیبیان از شام بعد از دفع حملات مغولان در شام، یکی از اولویت‌های مهم حاکمان ممالیک بحری در مصر و شام بود و این هدف مهم و آرزوی دیرین مسلمانان بالاخره در زمان ملک اشرف خلیل ابن قلاوون (۶۸۹-۶۹۳ ه.ق) دست‌یافتنی شد و تمام متصرفات صلیبیان از آنان باز پس گرفته شد و تنها راه برای تجارت غرب، گلوگاه تجاری مصر و شام بود. به‌جز چند جلگه باریک مانند اریحا در غرب شام^۳ که آن‌هم با تسلط مسلمانان بر کل شام از دست غرب خارج شد و کشتی‌ها باید به سواحل و بنادر شام مراجعه می‌کردند و کالاهای موردنیاز خود را از تاجران شرقی عمده مسلمان تهیه می‌کردند و بازمی‌گشتند.^۴ در دوران ممالیک بحری به‌ویژه ملک ظاهر بیبرس (۶۵۸-۶۷۴ ه.ق) و جانشینان او منصور قلاوون (۶۷۸-۶۸۹ ه.ق) و اشرف خلیل (۶۸۹-۶۹۳ ه.ق) بنادر و شهرهای تحت اشغال صلیبیان یکی پس از دیگری آزاد شد و به قلمروی

^۱ محمد بن احمد مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، چاپ سوم، قاهره: انتشارات مدبولی، ۱۴۱۱ ه.ق، ص ۱۵۲.

^۲ ابواسحاق ابراهیم اصطخری، مسالک و الممالک، تک‌جلدی، بیروت: دار صادر، ۲۰۰۴ م، ص ۶۱.

^۳ فلسطین امروزی

^۴ محمد بن عبدالله ابن بطوطه، ج ۱، ص ۲۵۸.

مسلمانان بازگشت و بعدازآن تمام سواحل شام و مصر توسط آنان اداره می‌شد و این گلوگاه تجارت جهانی تحت تسلط حاکمان ممالیک بحری قرار گرفت و آنان تمام توان خود را در راستای تأمین امنیت و ارتقاء کیفیت و تجارت و اجرای نظام‌مند قوانین اخذ مالیات به خدمت گرفتند تا در نهایت جایگاه مسلمانان به‌ویژه حکومت مصر را ارتقاء بخشیدند.

بیشتر تجار غربی؛ ژنوائی و ایتالیایی بودند. این تاجران هرگاه در جنگ‌های صلیبی شرکت می‌کردند در سواحل مصر می‌بایست هزینه آن را پردازند چراکه مورد تحریم مسلمانان قرار می‌گرفتند و تجارت آنان به روابط دوستانه و عدم مشارکت در جنگ‌های صلیبی علیه مسلمانان وابسته بود. آنان از اسلاف خود شنیده بودند و حافظه تاریخی این گروه تاجر، دوران خلافت فاطمی بر مصر و شام را به یاد داشتند که در آرامش به دادوستد در بنادر مصر و شام می‌پرداختند و سودهای سرشار نیز عایدشان می‌شد و از این‌رو آرامش و صلح در راستای منافع آنان بود نه جنگ‌های صلیبی و جنگ‌های صلیبی نیز بدون حضور آنان راه به‌جایی نمی‌برد. ایتالیایی‌ها بعد از حضور تعداد زیاد اروپائیان در بنادر شرقی مدیترانه، باز در پی سودجویی خود، مسافران غربی را به سواحل شام می‌رساندند و کرایه خود را از مسافران اخذ می‌کردند.^۱ در دورانی که دوباره مسلمانان توانستند انحصار تسلط بر بنادر مصر و شام را به دست‌گیرند و غربی‌ها هم به‌عنوان تاجرانی باتجربه به این سواحل راه یافتند.

نبض تجارت و اقتصاد منطقه، جهان اسلام و نظام بین‌الملل با نبض ممالیک بحری می‌زد و حاکمان مصر در اقتصاد جهانی اعمال نفوذ می‌کردند و آوازه برتری ممالیک بحری مصر، در دورترین کشورهای شرقی و اروپای غربی در دربار ادوارد شاه انگلیسی نیز نقل محافل شده بود. مصری‌ها در صنایع دفاعی خود برای ساخت کشتی‌های جنگی، منجنیق

^۱ استیون رانسیمان، تاریخ جنگ‌های صلیبی، ترجمه منوچهر کاشف، سه جلد، چ ۳، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۱،

و سلاح به الوار چوب و آهن نیاز داشتند. پاپ‌های صلیبی، تجارت با مسلمانان را تحریم کرده بودند اما سود سرشار این معاملات، تاجر پیشگان سودجوی جنوایی و ونیزی را منصرف نمی‌کرد و به تجارت خود با توجیهاتی ادامه می‌دادند زیرا اگر به این تحریم‌ها پایبند می‌شدند بسیار ضرر می‌کردند. معاملات تجاری از تحرکات پاپ‌ها و صلیبیان نمی‌کاست و زمانی که پاپ‌های صلیبی، تمرد ونیزی‌ها و جنوایی‌ها را می‌دیدند برای ضربه زدن به آنان و مسلمانان، قبرسی‌ها را تحریک کردند تا به اسکندریه هجوم آورند و به قتل و غارت تمام کشتی‌های که به مقصد مصر می‌رفت و یا از مصر حرکت می‌کردند پرداختند.^۱

با این حال، تجارت غرب با مصر و شام ادامه داشت و برای برقراری این سیر تجاری از طرف تجاری که از این تجارت و روابط سود می‌بردند در درون صلیبی‌ها تلاش‌های زیادی صورت می‌پذیرفت که در پیمان‌های صلح و برقراری تعهدات بین آنان و ممالیک، نشانه‌های آن را می‌توان دید که گویا با رایزنی آنان صلح‌نامه‌ها منعقد می‌شد تا شاید بتوانند از این راه به مقاصد اقتصادی خود برسند.^۲ زمانی که بیبرس به سمت مناطق عکا، صور، طرابلس و حصن الاکراد حرکت کرد اهالی آنجا امان خواستند و بعد از پیروزی بیبرس در این نبرد، فرمانداران صفد، صهیون و سیس، سفیرانی را همراه با هدایای فراوان برای انعقاد پیمان صلح پیش ملک ظاهر بیبرس فرستادند^۳ تا سهم تجارت خود را در سواحل و بنادر شام از دست ندهند و از اینکه با تأخیر برای طلب صلح پیش بیبرس

۱. صالح بن یحیی، تاریخ بیروت اخبار الامراء البحرین من بنی الغرب، ج ۲، بیروت: الکاؤلیکیه، ۱۹۲۷ تصحیح یسوعی

جلال‌الدین عبدالرحمن سیوطی، ج ۲، ص ۲۶۰.

۲. استیون رانسیمان، ج ۳، ص ۴۳۷.

۳. جمال‌الدین یوسف ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، ۱۶ جلد، مصر: وزارة الثقافة و الارشاد القومي،

دار الکتب. بی تا، ج ۷، ص ۱۳۸.

آمده‌اند عذرخواهی کردند و تقاضا کردند در برابر هدایای گران‌بها و جزیه و آزادی کامل تجار مسلمان در بنادر و شهرهای آنان، شهرهای مذکور را از آنان باز پس نگیرد.^۱

عکا پایتخت مسیحیان در شام بود و در این شهر کشتی‌های بزرگ تجاری لنگر می‌انداختند و تاجران از همه شهرهای تجاری به این بندر می‌آمدند و با پرداخت مالیات به گمرکات مسیحی مشغول دادوستد بودند. از رونق و حیات اقتصادی هم دولت‌های صلیبی منتفع می‌شدند و هم تجار و سوداگران ایتالیایی و ژنوایی که معاملات خرد و انتقال کالاها به دیگر شهرها را به دست مسلمانان و دیگر بومیان داده بودند.^۲

در بندر اسکندریه مصر، تجارت‌خانه‌ها و مهاجرنشین‌های خارجی شکل گرفت که برای حضور تجار غربی به‌ویژه ایتالیایی‌ها بود. مهمان‌سراها، مهمانخانه‌ها و کاروانسراهای زیادی در این شهر بود که بازرگانان برای اسکان موقت به آنجا مراجعه می‌کردند و در تجارت‌خانه‌ها و بازارهای بزرگ و پررونق این بندر به دادوستد مشغول بودند.^۳ همین امکانات در دمیاط نیز وجود داشت. خارجی‌های زیادی در این شهر بندری، سخت مشغول فعالیت‌های اقتصادی بودند. این شهر مدخل کشتی‌ها از دریا به نیل و شهرهای مصر بود و برای امنیت تجار و مسافرین هرکس وارد این شهر می‌شد و برای خروج باید گذرنامه داشته باشد.^۴

برای حمایت از تجارت و بازار داخلی به کشتی‌های فرنگی اجازه ورود به داخل کشور مصر را نمی‌دادند و از همین رو در دو طرف نیل جایی که به دریا متصل می‌شد دو برج بلند ساخته بودند و بین آن‌ها را با زنجیری ضخیم بسته بودند و مانع از ورود کشتی‌ها به

^۱ احمد بن علی، مقریزی، السلوک، ج ۲، ص ۴۳.

^۲ محمد بن احمد بن جبیر، رحله ابن جبیر، تک‌جلدی، بیروت: دار المکتب الهلال، بی‌تا، ص ۲۴۹.

^۳ شهاب‌الدین احمد بن یحیی، العمری، ج ۳، ص ۴۹۰.

^۴ محمد بن عبدالله، ابن بطوطه، ج ۱، ص ۹۸.

نیل می‌شدند.^۱ از طرف دریای سرخ و بندر عیذاب و قوص تجار هندی، ایرانی، چینی و یمنی و حجازی وارد مصر می‌شدند و از طرف شام نیز عراقی‌ها و شامی‌ها با گذرنامه وارد مصر می‌شدند.^۲ این قوانین مدون و منظم باعث رونق تجارت در بنادر تحت تسلط ممالیک شده بود.

جواز ورود برای شرقی‌ها و ممنوعیت ورود غربی‌ها از یک تصمیم و اقدام استراتژیک در حوزه اقتصاد خبر می‌دهد که ممالیک بحری بر عدم نفوذ اجنبی و بیگانگان صلیبی در سیستم اقتصاد و تجارت خود پافشاری می‌کردند. حاکمان مصر، محدودیت‌هایی را در شام نیز اعمال می‌کردند و این به معنای انحصار تام مسلمانان بر بنادر شام و مصر بود و از همین رو باینکه مسلمانان در جنگ بودند اما با اروپایی‌ها تعامل تجاری داشتند و منافع دوطرفه آنان این اجازه را نمی‌داد که به فکر قطع رابطه تجاری باشند ولی به آنان به چشم اجنبی می‌نگریستند نه به‌عنوان یک دوست و این مسئله در دوران اوج جنگ‌های صلیبی با ممالیک بحری در مصر و شام ادامه داشت.

یکی از مناطق مهم که با ترکان مصر و شام، روابطی سازنده و مسالمت‌آمیز داشت و عمده آن بر اساس منافع اقتصادی دو طرف بود، شریک تجاری آنان در مناطق قبیچاق بود که گاه از آن به اردوی زرین یاد می‌شد. آنان شاخه‌ای از مغولان بودند که بعد از اعلام اسلام در پی روابط حسنه با مصر و شام برآمدند که گاهی وسایل تزئینی از بنادر آن به سمت مصر بارگیری می‌شد.^۳ مهم‌ترین و مرغوب‌ترین پوستین‌های چرم و خز از این مناطق به مقصد بنادر مصر و شام صادر می‌شد.^۴ روابط تجاری آنان بعد از اظهار اسلام و

۱. یاقوت بن عبدالله حموی، ج ۲، ص ۴۷۳.

۲. محمد بن عبدالله ابن بطوطه، ج ۱، ص ۲۳۲.

۳. محمد بن ابی‌طالب انصاری دمشقی، نخبه الدهر فی عجائب آلب و البحر، مترجم سید حمید طیبیان، تک‌جلدی، تهران:

انتشارات اساطیر، ۱۳۸۲، ص ۱۰۵.

۴. محمد بن علی ابن حوقل، صورة الارض، دوجلدی، بیروت: دار صادر، ۱۹۳۸ م، ج ۲، ص ۳۹۲.

تلاش برای گسترش اسلام در مناطق شمالی با مصر توسعه یافت.^۱ در مسیر تجاری شمال به جنوب از سواحل و بنادر دشت قیچاق بیشتر تاجران اروپایی دررفت و آمد بودند به گونه‌ای که گسترش روابط مناطق شمالی با حکومت مصر، توسعه تجاری غربی‌ها را نیز در پی داشت و در نتیجه اخذ مالیات در بنادر شام و مصر از تاجران مدیترانه‌ای نیز افزایش داشت که این درآمدها به رشد خزانه دولتی مصر کمک به سزایی می‌کرد.

یکی از مهم‌ترین تجارت‌های اروپایی‌های صلیبی با مصر، تجارت برده به‌خصوص پسران نوجوان از دشت قیچاق به مصر بود و دلیل اهمیت تجارت برده به مصر این بود که سربازان مملوک و برده قیچاق تک نسلی بودند یعنی سربازان نوجوان با عنوان برده به ارتش مصر وارد می‌شدند و تحت نظر و تعلیم مربی‌های خاص قرار می‌گرفتند، آموزش‌های دینی قبل از سن بلوغ و آموزش‌های رزمی و جنگی بعد از سن بلوغ.^۲ فرزندان و نسل بعدی این برده‌ها دیگر توان پدران خود را در فنون و هنرهای جنگی نداشتند و باید دوباره برده‌های جوان ترک و چرکس از دشت قیچاق از طریق دریای سیاه، مرمهره و مدیترانه وارد مصر می‌شدند. واردات برده برای مصری‌ها از اهمیت خاصی برخوردار بود تا به‌وسیله آنان همیشه یک سپاه قوی و آماده داشته باشند و برای تاجران اروپایی نیز منبع درآمد باارزشی بود.

جنوایی‌ها و ونیزی‌ها در این امر باهم رقابت داشتند و در برابر تحریم‌های پاپ نیز مقاومت می‌کردند. یکی از اقدامات جنوا در تجارت اسب و برده، عقد قرارداد با اردوی زرین بود که بندر بزرگ و مهم کافا در شبه‌جزیره کریمه را در اختیار گرفته بودند و در بنادر دیگر مانند آزوف حضور داشتند.^۳ ونیزی‌ها در جزیره کرت مستقر بودند و از آنجا به

۱. کامل بن حسین الغزی، نهر الذهب فی تاریخ حلب، سه جلد، چاپ دوم، حلب: دارالقلم، ۱۴۱۹ ه. ق، ج ۳، ص ۱۱۷.

۲. احمد بن علی مقریزی، الخطط، ج ۳، ص ۳۷۲.

۳. محمد ابن عبدالله ابن بطوطه، ج ۲، صص ۲۱۶ و ۲۲۱.

تمام مسیر تجاری سواحل شام تسلط داشتند.^۱ در مصر برای بازرسی و ایجاد نظم بر تجارت برده و کالاهایی مانند اسب و چوب و دیگر لوازم مورد نیاز حاکم، شخصی به نام «معلم التجار الممالیک» بر تجارت بازرگانان حکومتی مصر نظارت می‌کرد. تمام این اقدامات باعث شده بود که حکومت ممالیک بحری در نظام اقتصاد بین‌الملل به‌عنوان یک ابرقدرت اقتصادی در سیاست‌های اقتصادی جهان اعمال نفوذ کند و این قدرت، مدیون گلوگاه تجاری بین‌المللی غرب و شرق در مصر و شام بود که با انحصار سلطه بر بنادر مصر و شام این قدرت را به دست آورده بود.

افول قدرت اقتصادی و تجاری مصر و شام

روابط تجاری بین شرق اسلامی و غرب با تجارت برده و دیگر کالاها تا پایان حکومت ممالیک بحری در مصر ادامه داشت و برتری در منطقه و جهان اسلام و نظام بین‌الملل، با حاکمان شام و مصر بود و جایگاه بالای آنان باعث شده بود که بازار جهانی نیز با سیاست گذاری و دخالت آنان اداره شود و این تک‌قطبی در نظام بین‌الملل در جهان آن روزگار، آرام‌آرام با تغییرات در جهان اسلام و در حکومت ممالیک، به چندقطبی و از دست رفتن جایگاه شام و مصر منتهی شد. مصر با بیش از یک قرن اقتدار، توانست با اخذ تصمیمات به‌موقع و درست و همچنین ایجاد نظم و امنیت در تجارت و با افزایش و گسترش میزان تجارت و با اخذ صحیح مالیات، مخارج و مخازن حکومت خود را در مرتبه‌ای قابل قبول مدیریت کند و در نتیجه دولتی مقتدر را اداره کند. در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم با هرج و مرج داخلی در مصر باروی کار آمدن ممالیک برجی و بی‌نظمی و بی‌قانونی در امر تجارت با اخذ رشوه و مالیات سنگین و احتکار و مصادره اموال تجار در عوض نپرداختن مالیات‌های سنگین و فتح قبرس و ابطال معامله با پول ونیزی و همچنین

۱. محمد بن عبدالمنعم، الحمیری، الروض المعطار فی خبرالاقطار، چاپ دوم، بیروت: مکتبه لبنان، ۱۹۸۴ م، ص ۵۱.

دزدی و بی‌نظمی در بازارهای قاهره و فشار در بنادر مصر و حجاز، بازرگانی تجار را با مشکل مواجه کرد.

عوامل افول قدرت ممالیک بحری

مؤلفه قدرت و نوع حکومت ممالیک، حکومت مبتنی بر نظامی‌گری بود. حاکم یک امیرنظامی از امرای صاحب‌امتیاز و از قدرت و وجاهت بالایی برخوردار بود. بعد از ملک منصور قلاون (۶۷۸-۶۸۹ ه.ق) این مؤلفه (امیر صاحب‌امتیاز بودن) کنار یک مؤلفه دیگر (وراثت) برای حکومت کردن مدنظر قرار گرفت که گاهی همخوانی داشت مانند حکومت اشرف خلیل پسر قلاون (۶۸۹-۶۹۳ ه.ق) که حکومت را از پدر به ارث برد و امیری مقتدر بود اما در فرزندان ملک ناصر که از سال ۷۴۱ ه.ق به بعد با مؤلفه وراثت به حکومت رسیدند به دلیل عدم وجود مؤلفه دوم - عدم اقتدار نظامی و وجاهت نظامی لازم - حکومت ممالیک بحری به تزلزل کشیده شد و این اقتضای یک حکومت مبتنی بر نظامی‌گری ناشی از وراثت بود و سرانجام در سال ۷۸۴ ه.ق قدرت و حکومت از ممالیک بحری توسط امیری به نام برقوق به ممالیک برجی منتقل شد.

در اواخر قرن نهم، مصر با توجه به تنش‌های داخلی و تحت تأثیر تحولات خارجی از چرخه تجارت جهانی به‌عنوان یک بازیگر مهم حذف شد و عثمانی در جهان اسلام و پرتغالی‌ها، اسپانیایی‌ها و دیگر اروپائی‌ها در نظام بین‌الملل جای او را تصاحب کردند. امپراتوری عثمانی در غرب جهان اسلام - در آناتولی در همسایگی با اروپای شرقی - آرام‌آرام اعلام موجودیت می‌کرد و درنهایت پایان حکومت دو دوره‌ای ممالیک بحری و برجی را رقم زدند و حملات تیمور لنگ نیز از شرق شروع شده بود و به شام هم آمد.^۱

^۱ عبدالرحمن ابن خلدون، ج ۷، ص ۷۴۱.

با ناامنی دوباره شرق در پی حمله تیمور و تضعیف ممالیک برجی و انتشار بی‌نظمی مالیاتی و بی‌قانونی در شام و مصر، سوداگران دریایی اروپا را به ماجراجویی و اکتشافات واداشت و بالاخره تلاش‌های آنان بی‌نتیجه نماند و در اواخر حکومت ممالیک برجی تاجران اروپای غربی در پی راه نجات بازرگانی و تجارت خود به دنبال مسیری جدید برآمدند تا تجارت خود با شرق (هند و چین) از راهی غیر از مسیر مصر را ادامه دهند که در سال ۹۰۳-۹۰۵ ه. ق با کشف دماغه امید نیک به هدف خود رسیدند. همه این اتفاقات دست‌به‌دست هم داد تا انحصار اقتصاد و تجارت بنادر شرقی و جنوبی دریای مدیترانه در شام و مصر را از بین ببرد و به این مقصود خود نیز دست یافتند.



نتیجه گیری

ممالیک بحری توانستند بعد از ایجاد یک حکومت به نسبت مقتدر در مصر و شام و با احیای خلافت اسلامی در قاهره، نفوذ حکومت خود در دیگر مناطق را مضاعف کنند و با همین رویکرد با سلطه سیاسی بر شبه جزیره عربستان، نفوذ خود را در مسیر تجاری دریای سرخ بگسترانند و با ادامه نبردها در برابر صلیبیان، موفق به بازپس گیری تمام سواحل شام از قشون صلیبی شدند و در تمام این مناطق برای همه اصناف و ابعاد مؤثر در اقتصاد، امنیتی پایدار ایجاد کنند و با وضع قوانین، وضع مالیات‌های مشخص برای هر کالا و ایجاد گمرکات دولتی در بنادر و ورودی و خروجی، مالیات‌های مقرر را اخذ می‌کردند و هر شخص که وارد می‌شد، نسبت به هدف سفر خود، مسلمان بودن و ملیت خود، دارای یک روایت مخصوص بود که با توجه به آن، از کالاهای آنان مالیات اخذ می‌شد و نسبت به مبدأ و مقصد کالا نیز، قوانین متفاوت بود و ممالیک بحری با انجام اقدامات حمایتی از تولید و تجارت داخلی و خارجی و حمایت خاص از تاجران مسلمان و شرق، وضع اقتصادی و تجارت شرق را که با حمله مغولان با خطر رکود و سقوط مواجه شده بود نجات داد و در برابر ناامنی موجود در مسیر ابریشم بر استقرار امنیت در مسیر معروف به مسیر ادویه تلاش کردند و توانستند تجارت شرقی‌ها به‌ویژه مسلمانان را به این مسیر انتقال دهند.

بعد از احیاء مسیر ادویه و رونق بخشی در این مسیر، با تسلط و نفوذ کامل، امنیت راه مذکور را تأمین کردند و در پی تسلط بر گلوگاه تجارت غرب به شرق و شرق به غرب، توانستند تجارت را تحت انحصار خود درآورند و همچنین در پی این انحصار، نبض اقتصاد جهانی را در دست گرفتند و در نهایت با این روش و عملکرد درست و قابل قبول، توانستند، در حوزه اقتصاد جهان اسلام و همچنین در نظام اقتصادی بین‌الملل به‌عنوان یک قدرت مطلق بیش از یک قرن سیاست و تصمیمات تجاری و اقتصادی خود را دیکته کنند و با توجه به منافع خودشان در مصر و شام و دیگر مسلمانان، تحرکات و اقدامات موردنظر خود را در راستای اهداف خود پیش ببرند و در این راه موفق عمل کنند.

فهرست منابع

۱. ابن تغری بردی، جمال‌الدین یوسف، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، ۱۶ جلد، مصر: وزارة الثقافة و الارشاد القومي، دار الکتب. بی تا.
۲. ابن جبیر، محمد بن احمد، رحله ابن جبیر، بیروت: دار المکتب الهلال، بی تا.
۳. ابن حوقل، محمد بن علی، صورة الارض، دوجلدی، بیروت: دار صادر، ۱۹۳۸ م.
۴. ابن خرداد به، عبیدالله بن عبدالله، المسالك و الممالک، تک جلدی، بیروت: دار صادر، سال ۱۸۸۹ م.
۵. ابن خلدون، عبدالرحمن ابن محمد، دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الاکبر، تحقیق خلیل شحاده، هشت جلد، چ دوم، بیروت: دار الفکر، سال ۱۴۰۸ ه. ق.
۶. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، بديأیه و النهایه، ۱۵ جلد، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷ ه. ق، ج ۱۳.
۷. ابن بطوطه، محمد ابن عبدالله، رحله ابن بطوطه (تحفه النظر فی قرائب الامصار و عجایب الاسفر)، پنج جلد، الرباط: اکادیمیہ المملکه، ۱۴۱۷ ه. ق.
۸. اشپولر، برتولد، تاریخ مغول در ایران، مترجم محمود میر آفتاب، تک جلدی، چاپ نهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶.
۹. اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، مسالك و الممالک، تک جلدی، بیروت: دار صادر، ۲۰۰۴ م.
۱۰. اقبال آشتیانی، عباس، تاریخ مغول، تک جلدی، چاپ هشتم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۴.
۱۱. انصاری دمشقی، محمد بن ابی طالب، نخبه الدهر فی عجائب آبر و البحر، مترجم سید حمید طبیبیان، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۲.
۱۲. حافظ ابرو، عبدالله خوافی، جغرافیای حافظ ابرو، سه جلد، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۷۵ ه.
۱۳. حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، هفت جلد، چاپ دوم، بیروت: دار صادر، ۱۹۹۵ ه. ق.
۱۴. الحمیری، محمد بن عبدالمنعم، الروض المعطار فی خبر الاقطار، چاپ دوم، بیروت: مکتبه لبنان، ۱۹۸۴ م.
۱۵. ذهبی، محمد بن احمد، تاریخ اسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، مصحح عمر عبدالسلام تدمری، ۵۲ جلد، چاپ دوم، بیروت: دارالکتب العربی، سال ۱۴۱۳ ه. ق.
۱۶. رانسیمان، استیون، تاریخ جنگ‌های صلیبی، ترجمه منوچهر کاشف، سه جلد، چ ۳، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۱.
۱۷. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، حسن المحاضره فی اخبار مصر و القاهرة، دو جلد، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ه. ق.
۱۸. عباد، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغه، مصحح محمدحسن آل یاسین، ۱۱ جلد، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۱۴ ه. ق.
۱۹. العمری، شهاب‌الدین احمد بن یحیی، مسالك الابصار فی ممالک الامصار، ۱۴ جلد، ابوظبی: الثقافی، ۱۴۲۳ ه. ق.
۲۰. الغزی، کامل بن حسین، نهر الذهب فی تاریخ حلب، سه جلد، چاپ دوم، حلب: دارالقلم، ۱۴۱۹ ه. ق.
۲۱. قاشانی، عبدالله بن محمد، تاریخ اولجایتو، تک جلدی، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی، سال ۱۳۸۴ ه.

۲۲. القزوينی، زکریا بن محمود، آثار البلاد و اخبار البلاد، مترجم جهانگیر میرزا قاجار، مصحح میر هاشم محدث، یک جلدی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۳ ه. ق.
۲۳. قلقشندی، احمد بن علی، صبح الأعشى فی صناعة الإنشاء، مصحح محمدحسین شمس الدین، ۱۵ جلد، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۴. مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، مصحح عبدالحسین نوایی، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر، سال ۱۳۶۴ ه. ق.
۲۵. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، چهار جلد، ج ۲، قم: دار الهجره، ۱۴۰۹ ه. ق.
۲۶. مقدسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، چاپ سوم، قاهره: انتشارات مدبولی، ۱۴۱۱ ه. ق.
۲۷. مقریزی، احمد بن علی، السلوک لمعرفة دوله الملوک، مصحح عبدالقادر عطا، هشت جلدی، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ه. ق.
۲۸. مقریزی، احمد بن علی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، چهار جلد، بیروت: دار الکتب، ۱۴۱۸ ه. ق.
۲۹. یحیی، صالح بن یحیی، تاریخ بیروت، اخبار الامراء البحتریین من بنی الغرب، ج ۲، بیروت: الکاتولیکیه، ۱۹۲۷.
۳۰. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، البلدان، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ ه. ق.

